

اوزدمیر آصف با نام اصلی حالیت اوزدمیر آرون، ۱۱ حازیران ۱۹۲۳ در آنکارا به دنیا آمد و ۲۸ اُجاک ۱۹۸۱ در استانبول چشم از جهان فرو بست. بخشی از تحصیلات ابتدائی و متوسطه‌اش در دبیرستان گالاتاسارای گذشت و در سال ۱۹۴۲ از دبیرستان پسرانه‌ی کاباتاش فارغ‌التحصیل گردید. وی در دانشگاه استانبول به ترتیب در رشته‌های حقوق، اقتصاد و روزنامه‌نگاری به تحصیل پرداخت و در سال ۱۹۴۷ با نیمه‌کاره رها کردن حضورش در دانشگاه به زندگی دانشجویی‌اش پایان داد. مدتی را در شرکت بیمه و سپس در دو روزنامه به عنوان مترجم مشغول به کار گردید. اولین نوشته‌ی وی در سال ۱۹۳۹ بود که در مجله‌ای به نام «بیداری» منتشر شد. اشعار دو و چهار اپیزودی وی در آغاز کار شاعری‌اش قدرت مسحور کردن مخاطب را توسط وی تضمین نمود. در جهان شعری وی، راوی از (من / تو) بسیار استفاده نموده و اینکه در سال‌های پایانی زندگی شاعرانه‌اش در اشعار وی عشق، جدائی و مرگ جایشان را به رهائی، ناامیدی و پریشانی دادند.

خراش

گفت منتظر بمان و رفت
من منتظر نماندم
او هم برنگشت
چیزی شبیه به مرگ اتفاق افتاد
اما هیچ‌کدام نمردیم

۲=۱

کیست؟
سوالی بی‌هوده!
من هستم، من
آن‌چنان «من»ی پشت در خانه‌ات ایستاده که
سرتا پا «تو»ست

پرسپکتیو

آن‌گاه که درون تو می‌روم
بیرون از من می‌مانی.
بیرون از پوست که وقتی تماشایت می‌کنم
به دلم نمی‌نشیند.

واقعہ

آن‌گاه که شروع کردم
به راه رفتن روی آب
آنان که در خشکی می‌دویدند
ایستادند به تماشای من.
رفتم، رفتم و رفتم
و جزیره‌هایی را که می‌شد در آنها پناه بگیرم
یک به یک
غرق کردم

داوری

همه‌ی رنگ‌ها
به یک سرعت کثیف می‌شدند،
رتبه‌ی نخست را
به سفید دادند